نقض حریم شخصی، ارتباط مستقیم با باورها و پیش‌داوری‌ها دارد

رضا فرهمند، متخصص روان‌شناسی سلامت: بحث حریم شخصی در روان‌شناسی اجتماعی، مبحث بزرگی است که می‌توانیم از ابعاد مختلف به آن نگاه کنیم. در این یادداشت، این بحث را در چند برداشت ارائه می‌دهم.

برداشت اول: اول تیرماه، در یکی از ایستگاه‌های مترو، متوجه شدم فردی که روبه‌روی من نشسته، هرازگاهی به صفحه گوشی موبایل کسی که کنارش بود، نگاه می‌انداخت. این‌قدر که فردی که با موبایل مشغول کار بود معذب شده و جای خود را تغییر داد. در بخش دیگر واگن، با اینکه مترو شلوغ نبود، دیدم که آقایی در تلاش است که به مسافر دیگری که روی صندلی نشسته نزدیک شود و او را معذب کرده بود. به باور من، این واگن، جامعه ما را نشان می‌دهد که افراد متفاوت، با باورها و شناخت‌های متفاوت در فضایی کنار هم قرار گرفتند که مسافران گاهی خواسته‌وناخواسته باعث می‌شوند حریم شخصی دیگران به هم بخورد. تمام ما چنین تجربه‌هایی درباره همسایه، دوست، محیط کار و حتی اعضای نزدیک خانواده هم داشتیم و استنباط کردیم که حریم شخصی ما را به هم زده‌اند. سؤال اصلی از اینجا آغاز می‌شود که حریم شخصی را چطور می‌توانیم تعریف کنیم. مثلا اینکه از کجا شروع می‌شود، چه انتظاراتی داریم، تا کجا حریم شخصی ادامه دارد و به طور کلی چه گستره‌ای را شامل می‌شود و نقش تاب‌آوری در مقابل تفاوت‌ها را چگونه می‌توانیم از این بحث متمایز کنیم؛ بنابراین برداشت اول پیرامون تجربه شخصی افراد است و اینکه چه معیار و تعریفی از حریم شخصی داریم.

برداشت دوم: رعایت‌کردن و نکردن حریم شخصی، به طور مستقیم با باورها، انتظارات و به طور کلی پیش‌داوری‌هایی که خواسته‌وناخواسته با افراد دیگری داریم، ارتباط دارد. در اینجا، اصطلاح «تصورات قالبی» مطرح می‌شود که در روان‌شناسی، به باورها و انتظاراتی درباره اعضای گروه‌های دیگر و اینکه آنها چگونه هستند، اشاره دارد؛ با تمرکز بر باورها، انتظارات و تجزیه و تحلیل‌هایی که آموختیم؛ بنابراین گویی تمام ما یک‌سری تصورات قالبی، مثلا نسبت به وضعیت جسمانی همدیگر داریم: فلانی چاق است، فلانی لاغر است... یا نسبت به رفتارهای احتمالی که برخلاف انتظاراتی است که در تصورمان داریم یا حتی انتظارات کلیشه‌ای مثل تصورات قالبی که درمورد زنان و مردان و کلیشه‌های جنسیتی وجود دارد که در طول تاریخ و در سراسر جهان همیشه مطرح بوده و باعث شده اصطلاح «سقف شیشه‌ای» در روان‌شناسی مطرح شود. این اصطلاح براساس بررسی‌هایی که درمورد سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ انجام شد، به موانع و معضلات نامرئی‌ای اشاره دارد که در راه پیشرفت زنان به سطوح بالاتر بروز می‌کند و این موانع، ساخته و پرداخته جامعه مردسالار بوده و بر پایه باورهای جنسیتی از نقش زنان در حوزه‌های عمومی و خصوصی شکل می‌گیرد. در واقع در این برداشت، تأکید بر این بود که تا چه اندازه باورهای جامعه می‌تواند تصوراتی را درباره زندگی، مسائل و جزئیات شخصی مربوط به افراد، شکل ظاهری و سبک زندگی آنها ایجاد کند.

برداشت سوم: تمام افراد، یک گستره شناختی مشخص دارند. مواقعی که این گستره کوچک باشد، انگار ما دنیا را از یک اتاق کوچک نگاه می‌کنیم. در دنیای امروز، بدون‌شک با پیشرفت تکنولوژی و فضای مجازی، این گستره بزرگ‌تر شده و اگر در مقایسه با گذشته بخواهم بگویم، انگار مثلا ۴۰ سال پیش، بیشتر درگیر حریم شخصی بودیم. در واقع همین که درمورد حریم شخصی می‌نویسیم و به آن فکر می‌کنیم، نشانه‌ای از رشد ما در این زمینه است؛ یعنی اتاقی که از آن به دنیا نگاه می‌کنیم، بزرگ‌تر شده است. درواقع هر چقدر آگاهی بیشتر انجام شود و جامعه بیشتر حق و حقوق خود و دیگران را بشناسد، گستره شناختی بزرگ‌تر می‌شود؛ بنابراین خلاصه برداشت سوم، این است که هر چقدر بیشتر یاد بگیریم، بالطبع، به واسطه یادگیری صحیح جامعه و سرمایه‌گذاری‌کردن در این مورد، کیفیت زندگی ما نیز بالاتر خواهد رفت و بهتر می‌توانیم رشد کنیم.

برداشت چهارم: تصورات قالبی باعث می‌شود که ما به اطلاعاتی توجه کنیم که با آنها هم‌خونی بیشتری داریم. در واقع ما بیشتر بر مواردی تمرکز می‌کنیم که نگرش و باورهای‌مان با آنها همسوتر است. مثلا اگر نسبت به زنان و مردان طلاق‌گرفته نگرش خاصی داشته باشیم، احتمالا اگر در همسایگی ما فردی زندگی کند که جدایی داشته، ناخواسته ممکن است درگیر تصور قالبی شویم. انگار آن فرد را وارد بازی‌های روانی خودمان با خودمان می‌کنیم و با همان نگرش با او رفتار می‌کنیم؛ چراکه در بسیاری موارد همه ما در گستره ذهنی خودمان و برحسب تجارب گذشته و گاهی با گره‌های حل‌نشده ذهنی‌ای که داریم عمل می‌کنیم. این پیش‌داوری‌ها و تبعیض‌ها در اکثر جوامع وجود دارد که امروز، احتمالا در کشورهایی که در حوزه آموزش و پرورش رشد بیشتری داشته، کمتر مشاهده می‌کنیم. مثلا شخصی که نسبت به گروه خاصی پیش‌داوری و تعلق دارد، بی‌شک افراد آن گروه را بیشتر آدم‌های ارزشمندی تلقی می‌کند و برعکس، افرادی هستند که اگر نسبت به جامعه خاصی پیش‌داوری و توقع منفی داشته باشند، احتمالا آن جامعه را منفی‌تر می‌بینند. مسئله مهم این است که چگونه می‌توانیم یاد بگیریم که به تصورات قالبی نه بگوییم و پیش‌داوری را در خودمان کم کنیم. و اینکه پیش‌داوری ما چگونه می‌تواند باعث نقض حریم شخصی دیگران شود.

برداشت پنجم: با توجه به برداشت قبلی، در اینجا باید گفت که گاهی خواسته یا ناخواسته درگیر مسائل فردی هستیم که حتی در مواردی این مسائل و مشکلات فردی به‌عنوان یک اختلال مطرح است؛ یعنی فرد بیماری یا اختلالی دارد که آن بیماری، برای او مسئله ایجاد کرده است. مثلا اختلال یا بیماری خاصی داریم که می‌تواند حریم شخصی افراد را نقض کند؛ انواع اختلالات شخصیتی، مصرف مواد مخدر و مواردی که تشخیصش در جامعه برای افراد عادی و غیرمتخصص در علم روان‌شناسی و روان‌پزشکی، ساده نباشد؛ بنابراین گاهی اوقات ممکن است شاهد باشیم در جوامع مختلف افرادی درگیر اختلالات شخصیت، تضادها و مسائل حل‌نشده گذشته زندگی خودشان باشند و همین افراد در رأس سازمان یا مدیریت گروه‌هایی قرار بگیرند و قوانینی را بر پایه مسائل ذهنی خودشان وضع کنند که حتی با قوانین وضع‌شده هم منافات داشته باشد و درنتیجه ممکن است باعث شوند که حریم شخصی افراد را نقض کنند و آسیبی را متوجه جامعه کند که برای ترمیم آن سال‌ها باید تلاش کرد.

برداشت ششم: در اینجا هم با توجه به گفته‌های برداشت قبلی، باید گفت که پیش‌داوری می‌تواند بازتاب پاسخ‌های هیجانی زیربنایی خاص ناشی از ترس، خشم، احساس گناه، تنفر و... نسبت به گروه‌های متفاوت باشد.

برداشت هفتم: این برداشت، بیشتر بر بحث آموزش تمرکز دارد که دیدگاه یادگیری اجتماعی کودکان را که نگرش منفی به بعضی گروه‌های اجتماعی دارند، بررسی می‌کند. در این بررسی مشخص شده که چقدر نگرش منفی این کودکان درباره گروه‌های مختلف با افراد ارزشمند زندگی آنها (پدر، مادر، مربی و...) ارتباط دارد و اینکه نقش افراد ارزشمند و مهم زندگی برای کودکان آموخته می‌شود. در این مدل ناخواسته به کودک آموزش می‌دهیم که مطابق الگوی آدم‌های ارزشمند اطرافش به مسائل مختلف مثل حریم شخصی، باورها، تصورات و... نگاه کند. بعد از آن، رسانه، برنامه‌های تلویزیونی، مدرسه، گروه همسالان و... وارد می‌شود؛ بنابراین می‌بینیم که چقدر یک کودک می‌تواند تحت تأثیر محرک‌هایی باشد که در اطرافش وجود دارد. برای همین است که تلاش بسیاری از نظریه‌پردازان در راستای پیشگیری سطح اول برای آموزش به کودکان در حوزه مسائل اجتماعی، حریم خصوصی، احساس مسئولیت در قبال دیگران و از طرفی کنارآمدن با تفاوت‌های فردی، ابراز وجود و مطالبه‌گری اجتماعی از همان دوران اولیه رشد تأکید می‌شود.

هدف کلی ایجاد تعادل است و اینکه افراط و رفتارهای برجسته و افراطی در کودکان می‌تواند زمینه پیش‌داوری، تبعیض و نقض حقوق دیگران را در بزرگسالی به دنبال داشته باشد.

برداشت هشتم: در آخرین برداشت باید گفت چگونه می‌شود از این پیش‌داوری که یکی از مهم‌ترین عوامل نقض حریم شخصی است، اجتناب کرد. در واقع به هر ترتیبی این نقض حریم شخصی را در جامعه می‌بینیم. حالا باید دید چگونه می‌توانیم از این موضوع دوری کنیم.

همین که درمورد پیش‌داوری و تعصب و حریم شخصی فکر می‌کنیم و به زیان‌های آن توجه می‌کنیم، می‌تواند در کاهش پیش‌داوری ما تأثیر داشته باشد. همچنین فنون شناختی و آموزش نه‌گفتن و تقویت‌نکردن تصورات قالبی نیز می‌تواند اثربخش باشد.

تماس با افراد و گروه‌های مختلف در راستای کنارآمدن با تفاوت‌ها و درک تفاوت طرفین، همچنین آموزش مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های مورد نیاز در تعامل اجتماعی، تنظیم سطح انتظارات از دیگران، تنظیم هیجانات و در صورت نیاز کمک‌گرفتن از متخصص، مطالبه‌گری سازگارانه و آموزش مهارت ابراز وجود، آموزش کودکان و نوجوانان در سطح خانواده و مدرسه و اجتماع نیز از دیگر راهکارهایی است که می‌تواند تعصب و پیش‌داوری و به دنبال آن نقض حریم شخصی دیگران را در افراد کاهش دهد.

ما و حریمی که خصوصی نیست

این حریم برای تو نیست

الهه باقری‌سنجرئی: چند بار این گفت‌وگوها را شنیده‌ایم؟ چند بار خودمان راوی خبرهای این‌چنینی بوده‌ایم؟ چقدر از کنکاش در حریم شخصی افراد لذت برده‌ایم؟ چند بار شخصی‌ترین اخبار زندگی‌مان را دهان‌به‌دهان از دیگران شنیده‌ایم؟ اصلا چقدر حریم شخصی خود و دیگران را می‌شناسیم؟

:«خبر داری مجید پسر سعید لاستیک‌فروش رفته ترکیه؟ مثل اینکه خانواده زنش کارش رو جور کردن.

-کدوم پسرش؟ بزرگه؟ اون که داشت از خانومش جدا می‌شد؟

: نه بابا، اون که جدا شد. زنه هم همه‌چیزش رو کشید بالا. معلوم بود از اولش هم از این دختر بی‌سروزبون‌ها نبود. چند بار پسره رو کشیدم کنار بهش گفتم حواست به زنت باشه، به خرجش نرفت. حالا باید یه بار سعید اومد مغازه بپرسم ازش چی شده دقیقا. گمونم خیلی وقته عروسش رفته اما یه کلمه حرف نزده. انگار ما غریبه‌ایم.

-والا آدم چی می‌تونه بگه. آخه پسرش هم یه‌جوری بود. انگار مریض بود. خیلی همیشه ساکت بود. لابد مشکلی داشته.

: اصلا خونوادگی عجیبن. آدم نمی‌تونه از کارشون سر در بیاره. خود سعید هم یهو وضعش خوب شد.

-ولش کن. خودت چطوری؟».

•••

آن‌طور که در بحث‌های اجتماعی گفته شده، مباحث مربوط به حریم خصوصی به چهار قسمت تقسیم می‌شود:

- حریم خصوصی در منازل و اماکن: حق اولیه افراد در مصون‌بودن از تعرض و تجاوز به منازل و اماکن و به‌طور کلی همه مکان‌های سرپوشیده یا محصور متعلق به آنها.

- حریم خصوصی جسمانی: حق اشخاص در حمایت و مصونیت از تعرض به تمامیت جسمانی و بدنی آنها، ازجمله جنبه‌های مرتبط با سلامت جسمی و روحی و نیز مشخصات و خصوصیات محرمانه بدنی آنها.

- حریم خصوصی اطلاعاتی: عبارت است از حق اولیه افراد در محرمانه‌ماندن و جلوگیری از تحصیل، پردازش و انتشار داده‌های شخصی مربوط به آنها، مگر در موارد مصرح قانونی.

- حریم خصوصی ارتباطاتی: حق اشخاص در امنیت و محرمانه باقی‌ماندن محتوای کلیه اشکال و صور مراسلات و مخابرات متعلق به آنها.

«یه چیزی خیلی عجیب بوده همیشه برام. نمی‌دونم چرا فهمیدن جزئیات زندگی دیگران همیشه برای همه جذابه. حتی برای خود من. انگار شده وسیله تفریحمون. شما نگاه کن. مثلا یه فیلمی از جزئی‌ترین مسائل خصوصی زندگی یه فرد منتشر می‌شه، همه درموردش حرف می‌زنن. نظر می‌دن. قضاوت می‌کنن. اصلا انگار اخبار پربازدید هم رفته سمت همین داستانا. نه‌فقط توی ایران، همه جای جهان انگار این‌طوریه. مثلا چرا باید خبر طلاق یه بازیگر هالیوودی آن‌قدر پرطرفدار باشه. یادمه اون موقع‌ها که تازه می‌شد با بلوتوث گوشی‌ها فیلم ارسال کنیم واسه همدیگه، گوشی همه پر شده بود از فیلم‌های یواشکی؛ از آرایش‌کردن و کارهای ساده افراد بگیر تا دعواهای خانوادگی و خصوصی‌ترین مسائل زندگی‌شون. واقعا انگار حریم خصوصی معنی نداره. یه حریم عمومی داریم همه زیر سایه اون داریم زندگی می‌کنیم».

اینها مصادیقی از نقض حریم خصوصی افراد است که الهه دانشجوی فلسفه آنها را بیان کرده است. به‌طور کلی، مفهوم مترتب بر واژه «حریم شخصی/ خصوصی» تأکید بر فضای خاص کاملا فردی و خصوصی افراد دارد که جز در مواردی که به دیگری یا خود فرد آسیب‌رسان بوده و خطرساز باشد، کسی حق ورود به آن و شکستن امنیت و آن خلوت و حریم را ندارد. آن‌طور که پیش از این در گزارش‌های بسیاری آمده، هرچند ارائه تعریف مورد اجماع در مورد حریم خصوصی دشوار است، اما تعدادی از تعاریفی که حقوق‌دان‌ها از این مقوله ارائه کردند، عبارت‌اند از: حق شخص مبنی بر اینکه تنها به حال خود رها شود، حق اشخاص مبنی بر اینکه آزادانه تصمیم بگیرند تحت چه شرایطی و تا چه میزانی، خود، وضعیت و رفتارشان را برای دیگران فاش کنند، حق اشخاص دایر بر اینکه در مقابل هرگونه مداخله در زندگی یا امور شخصی یا امور خانوادگی از طریق ابزارهای فیزیکی یا افشای اطلاعات مصون بمانند. حریم خصوصی متشکل از سه رکن محرمانگی، گمنامی و تنهایی است.

در بحث حقوقی، حریم خصوصی به حوزه‌ای از حیات افراد اطلاق می‌شود که خصوصی و تعرض‌ناپذیر است؛ اما در علم روان‌شناسی، حدود حریم خصوصی به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. حریم فیزیکی: فضای حریم خصوصی بدن انسان به اندازه طول یک دست است. به این معنا که اگر ما سر یا بدن خودمان را از این فاصله به فرد دیگری نزدیک‌تر کنیم، وارد حریم خصوصی فیزیکی او شده‌ایم.

۲. حریم روانی: شامل موارد زیر است: الف- اطلاعات شخصی مربوط به زندگی خصوصی و خانوادگی، ب- افکار، نظرات و عقاید شخصی و ج- احساسات.

آموزش در شناخت حدود حریم شخصی، نقش حیاتی دارد

مونا، معلم دبیرستان است. او با اشاره به تغییرات باوری و آگاهی‌هایی که در نسل جدید نسبت به زمان‌های دورتر ایجاد شده، می‌گوید: «امروز توی مدرسه‌ها مثل قدیم نیست که بتونیم دانش‌آموزا رو برای انجام‌دادن یا انجام‌ندادن کاری مجبور کنیم. زمان ما این‌طوری نبود. یادمه جلوی در مدرسه صبح‌به‌صبح کیف‌هامون رو می‌گشتن؛ مثلا می‌خواستن مراقب باشن به خلاف کشیده نشیم. آخه یه بچه‌مدرسه‌ای چه خلافی می‌تونه بکنه؟ فقط غرورمون رو می‌شکستن. یادمه یه بار یکی از همکلاسی‌هامون، پدر و مادرش از هم جدا شده بودن. ماها هم هیچ‌کدوم نمی‌دونستیم. حالا به هر دلیلی دوست نداشت کسی بفهمه. چند بار هم که همسر مادرش اومده بود دنبالش، به‌طوری رفتار کرده بود که فکر می‌کردیم پدرشه. این هم همیشه عکس جوونی‌های پدرش رو توی کیفش داشت. یه بار توی مدرسه موقع گشتن کیف‌هامون عکس پدرش رو پیدا کردن. مدرسه رو کرده بودن قیامت که انگار چه جنایتی کرده. فکر می‌کردن به راه خلاف کشیده شده به قول خودشون. آخرش هم تمام مدرسه متوجه شدن که پدر و مادر این از هم جدا شدن. اینکه مدیر و ناظم می‌دونستن یا نه رو نمی‌دونم اما خب توی اون سن به هر دلیلی دوست نداشت همکلاسی‌هاش خبردار شن. واقعا نمی‌فهمم چرا انقدر اصرار داشتن با ورود به حریم شخصی، ماها رو تحقیر کنن. حالا چیزی هم نبودا که بخوایم قایم کنیم اما هرچی بود برای ما مهم بود. اینا رو گفتم که بگم بچه‌های الان خیلی فرق کردن. یعنی آگاه‌تر شدن. هم آموزش دیدن یا بالاخره به‌طوری متوجه شدن که به زندگی کسی کار نداشته باشن، هم اینکه اگر کسی وارد حریم خودشون بشه، برخورد می‌کنن که به نظر من این خیلی اتفاق خوبیه».

در یک تعریف کلی، افشاگری و افشای مسائل حریم خصوصی افراد، یعنی آشکارکردن هر نوع رفتار، کردار، پندار، نوشتار و گفتاری که حامل یا عامل آن به هر انگیزه و انگیخته‌ای سعی در نهان‌داشتن آن دارد. بر همین اساس می‌توان به جهات گوناگون، این کنش را تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی کرد.

«من سوم دبستان بودم. یه همسایه داشتیم که چهار تا دختر داشت؛ دو تا دبیرستانی، دو تا دبستانی. دخترهاش هم‌بازی من و خواهرم بودن. اسم اون دو تا بزرگ‌ها فروغ و فاطمه بود. یادمه یه مدت فروغ ناپدید شد. هیچ خبری ازش نبود. هرچی می‌رفتیم دم خونه‌شون که مثلا بیان پیش ما یا ما بریم پیششون و آمار فروغ رو می‌گرفتیم، هر بار یه چیزی می‌گفتن. خونه عمه‌شه. رفته خرید. رفته جایی برمی‌گرده. تا یه مدت بعد هم که دیگه اصلا مادرش نذاشت ما بریم خونه‌شون. بقیه بچه‌ها رو هم نمی‌دیدیم. چند ماه بعد، یه بار نیروی انتظامی ریخت جلوی درشون و خیلی شلوغ شد. اون روز فهمیدیم فروغ خودش رو کشته! به همین سادگی. گویا پدرش تصمیم گرفته بوده که فروغ با پسر فامیلشون ازدواج کنه. این دختر طفلی هم دوست نداشته و می‌خواسته بره دانشگاه. یعنی همیشه رؤیاش دانشگاه‌رفتن بوده. پدرش هم حکم کرده بوده که باید ازدواج کنی و حتی نذاشته دیگه برای امتحان‌های آخر سال مدرسه بره. اون هم خودش رو می‌کشه. و جالب اینجاست که پدر خانواده نه‌تنها برای زنده فروغ، نه‌تنها برای احساسات، زندگی، باور و رؤیاهای فروغ تصمیم گرفته بوده، حتی برای مرده دختر بدبخت هم تصمیم گرفته بوده. چون بعد از اینکه می‌بینه دخترش خودکشی کرده، یواشکی توی حیاط خونه‌ش چاله‌ش می‌کنه. به همین راحتی. یعنی انگار نه انگار که فروغ هم زندگی داشته. زندگی فقط و فقط برای پدر فروغ بوده».

سمیرا، ۴۰ ساله و متأهل است و خیلی زود و تلخ، بدون آنکه معنی واژه حریم خصوصی را بداند، با مفهوم نقض آن آشنا شده است.

آنچه از کودکی در ما نهادینه شده، در تمام جامعه سیطره دارد

سپهر، دانشجوی سال سوم حقوق، برداشت دیگری از تبعات نقض حریم خصوصی دارد. او باور دارد وقتی نقض حریم خصوصی در فرهنگ، آداب و رفتارهای ما از کودکی نهادینه شده، طبیعی است که شاهد شکستنش در مسائل بزرگ‌تر اجتماعی باشیم: «من یه خواهر بزرگ‌تر دارم. نمی‌گم خانواده بی‌فرهنگی دارم اما این جمله، خیلی تکراری و عادی بود توی خونه ما: «برو ببین خواهرت داره چی‌کار می‌کنه». الان که فکر می‌کنم می‌بینم از همون بچگی نقض حریم شخصی رو بهمون یاد دادن. یعنی یا این مدلی یاد دادن یا جلوی چشم ما، حریم بقیه شکسته شده، ما هم توی ناخودآگاهمون رفته. مثلا یادمه بقال محل، همیشه آمار همه رو می‌داد یا یادمه گاهی جلوی مردای خانواده رو می‌گرفت و می‌گفت که دخترت با فلان لباس رفت بیرون. پسرت این ساعت برگشت خونه. یعنی اصلا براش تعریف نشده بود که به زندگی دیگران کاری نداشته باشه. در واقع حق قانونی خودش می‌دونست که توی جزئی‌ترین و خصوصی‌ترین مسائل بقیه دخالت کنه. خب معلومه با این پذیرش و باور فرهنگی (البته ضدفرهنگی) امروز توی جامعه شاهد این‌همه نقض حریم خصوصی هستیم».

موارد زیادی وجود دارد که می‌توان تحت عنوان حریم خصوصی از آنها یاد کرد، اما در کل نقض حریم خصوصی در انواع مختلف، یک جرم است و از راه‌های قانونی می‌توان با آن به مقابله برخواست. از جمله این موارد می‌توان به تهدید انتشار عکس‌های خصوصی، ضبط مکالمات و تهدید به انتشار آنها، شنود مکالمات و... اشاره کرد. به‌علاوه اینکه در دنیای امروز که عصر دیجیتال است، مصادیق نقض حریم خصوصی، نسبت به گذشته بیشتر و متفاوت‌تر شده است که البته، به‌گفته بسیاری از کارشناسان و مسئولان مرتبط، پایین‌بودن آگاهی افراد از حق و حقوقشان در مقابل نقض حریم شخصی نیز عامل دیگری است که به تکرار این نقض فرهنگی دامن می‌زند.

براساس مطالب حقوقی منتشرشده، حریم خصوصی سه عنصر دارد که عبارت‌اند از:

۱. خصوصی‌بودن

۲. مخفی‌بودن

۳. مصون‌بودن در برابر نظارت و مداخله دیگران

در آخر در چارچوب قانون بودن که بسیار مهم تلقی می‌شود.

علاوه بر سه عنصر مذکور، این حق اساسی ابعاد گوناگونی دارد که عبارت است از:

۱. حریم خصوصی فردی: حریم بدن فیزیکی افراد

۲. حریم خصوصی رفتار فردی: فعالیت‌های سیاسی و جنسی

۳. حریم خصوصی ارتباطات فردی: محاورات فرد

۴. حریم خصوصی اطلاعات فردی: اطلاعات شخصی افراد (که این مورد با شکل‌گیری و گسترش ارتباطات اینترنتی و فضای مجازی بیشتر مورد تهدید قرار می‌گیرد)

حال این سؤال مطرح است که در حقوق ایران مصادیق حریم خصوصی افراد چیست؟

۱. به‌عنوان مثال: در اصل ۲۲ قانون اساسی بیان شده که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است؛ مگر در مواردی که قانون تجویز کند. پس این اصل حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را مصون از تعرض و یا به عبارت دیگر جزء حریم خصوصی آنها منظور داشته است.

۲. همچنین در اصل ۲۵ قانون اساسی عنوان شده که بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش‌کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است؛ مگر به حکم قانون.

۳. ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی نیز می‌گوید کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود، می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است، جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد.

حال همان‌طور که بیان شد مصادیق نقض حریم خصوصی در فضای مجازی در طی دهه گذشته بسیار اهمیت پیدا کرده است، به‌همین‌خاطر وجود قوانین حریم خصوصی در فضای مجازی بیش‌ازپیش احساس می‌شود. در همین راستا ماده ۶۴۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی و مواد ۱۲، ۱۶ و ۱۷ قانون مجازات جرائم رایانه‌ای، حیثیت شهروندان را مورد حمایت قانونی قرار داده‌اند. درواقع، این قوانین از حریم خصوصی شهروندان حتی در فضای مجازی به صورت غیرمستقیم حمایت کیفری کرده‌اند.

در حقیقت اگر کسی بدون اجازه، وارد حریم شخصی فرد دیگر شود، هم به لحاظ مدنی و هم به لحاظ کیفری، دارای مسئولیت است و به مجازات ورود به حریم خصوصی، قابل پیگرد قانونی است. تطابق مواد مذکور، هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او منتشر یا در دسترس دیگران قرار دهد، یا پس از تغییر و تحریف مبادرت به انتشار آن کند؛ به نحوی که منجر به ضرر یا موجب هتک حیثیت او شود، به حبس و جزای نقدی محکوم خواهد شد. درصورتی‌که این تغییر و تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات محکوم می‌شود.

بی‌اطلاعی از حقوق قانونی نقض حریم خصوصی، بزرگ‌ترین آسیب افراد است

«حالا خدا رو شکر گذشتیم از اون روزهایی که یکی یه عکس پرسنلی کج‌ومعوج از کسی پیدا می‌کرد، طرف رو به هزار روش تهدید می‌کرد. الان دیگه با این فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، دیگه کمتر این مدل تهدیدها پیش میاد؛ اما انگار با تغییر سبک زندگی، مدل تهدیدها و سرک‌کشیدن افراد به حریم خصوصی‌مون هم متفاوت شده. همین چند ماه پیش خواهر یکی از دوستام، با یه پسری آشنا شده بوده. توی چت یکم به هم ابراز علاقه کرده بودن، بعد چون پسره یکم لات و اینا بود، خواهر دوستم نخواست ارتباطش رو ادامه بده. باورتون می‌شه پسره تهدید کرده بود که اسکرین‌شات چت‌هات رو میارم به بابات نشون می‌دم؟؟؟ این هم کم‌سن‌وسال بود ترسیده بوده. دوست من می‌گفت اگه زودتر می‌فهمیدم می‌رفتم از اون پسر شکایت می‌کردم؛ چون ظاهرا اسکرین‌شات پیام و تهدید به انتشارش، نقض فضای خصوصیه. البته این رو تازه فهمیدما. دوستم بهم گفت. خودش هم رفته سرچ کرده فهمیده. خب یه داستان دیگه هم هست، اونم اینکه ما اصلا آموزش ندیدیم که چیا نقض حریم خصوصی‌مونه. همین‌طوری تا یه نفر میاد تهدید یا اخاذی می‌کنه می‌ترسیم و خودمون رو توی دردسر می‌ندازیم».

یاسمن، این روایت را درمورد ناآگاهی از حق و حقوق شهروندی می‌گوید؛ کسی که دانشجوی یکی از دانشگاه‌های معتبر است و به گفته خودش خیلی زود وارد جامعه شده؛ اما هنوز هم از آسیب‌های آموزش‌ندیدن زندگی اجتماعی در امان نیست.

اختلالات شخصیتی، از عوامل نقض حریم خصوصی دیگران است

دخالت در حریم خصوصی دیگران، دلایل متعددی دارد که بسیاری از آنها به تحلیل‌ها و بررسی‌های روان‌شناسانه و جامعه‌شناختی نیاز دارد. آن‌طور که در برخی گزارش‌ها منتشر شده، نیاز به دیده‌شدن و قرارگرفتن در کانون توجه، یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین نیازهای روانی-اجتماعی افراد است. بنا بر این نیاز، کسب لذت تسلط و تأییدشدن، یکی از دلایلی است که ما را به دخالت در حریم خصوصی دیگران ترغیب می‌کند. در کنار افرادی که نیاز به دیده‌شدن و مورد تأیید قرارگرفتن دارند، کنترلگران نیز از دیگر افرادی هستند که گاهی باعث دخالت در زندگی افراد و نقض حریم خصوصی دیگران می‌شوند. این افراد کسانی هستند که همیشه می‌خواهند نقش اول را برعهده داشته باشند و مهم‌ترین فرد در یک جمع باشند. این افراد، شخصیتی کنترلگر دارند. اساسا همیشه می‌خواهند از همه چیز مطلع باشند؛ اطلاع‌داشتن از هر موضوعی یکی از بزرگ‌ترین لذت‌های زندگی این افراد است. آنها درباره هر مسئله‌ای نظری دارند. در بسیاری موارد، کنترلگران در نظارت و بررسی امور زندگی دیگران و باید و نباید گفتن، از مراجع قانونی نیز جلوتر حرکت می‌کنند.

سجاد، فروشنده قطعات یدکی خودرو، در یک آپارتمان ۱۶واحدی زندگی می‌کند و مدیر ساختمان است. او درمورد نقض حریم خصوصی در فضای همسایگی می‌گوید: «یه همسایه داریم، طبقه چهارمه و با آسانسور تردد می‌کنه؛ یعنی ارتباط چندانی حتی در حد سلام‌وعلیک هم با همسایه‌های سه‌طبقه پایین‌تر نداره؛ اما تقریبا آمار تک‌تک واحدها رو از خودشون بهتر داره و جالبه که درموردشون و حتی جای اونها هم تصمیم می‌گیره. پارسال زمستون، همسایه طبقه سوم برای بچه‌ش تولد گرفته بود. اتفاقا چون هم خودش بچه کوچیک داشت و هم مهموناش، حدود ساعت ۷ مهمونی‌ش رو شروع کرد که تا ۱۱ شب تموم بشه. حالا میگم مهمونی نه که فکر کنی چه خبر بوده‌ها. چند تا خانواده دور هم جمع شده بودن. یکم هم اگه توی راهرو پشت در خونه‌شون می‌ایستادی، صدای آهنگ می‌اومد؛ یعنی واقعا مزاحمتی نداشتن. این همسایه طبقه چهارمیه چند بار رفت دم خونه‌شون، تذکر داده که چرا مهمونی مختلط گرفتید! یکم داشت درگیری می‌شد که زنگ زدن به من، رفتم کلی باهاش حرف زدم آروموش کردم. آخرم به من گفت تو غیرت نداری و رفت. منم گفتم تموم شد. نگو رفته خونه زنگ زده ۱۱۰، اونها هم اومدن. اما می‌دونی چی شد؟ وای خیلی خوب بود. ۱۱۰ اومد همین طبقه چهارمی رو جریمه کرد. همین که می‌خواسته مهمونی اون یکی رو خراب کنه. خیلی حال کردم. ۱۱۰ بهش گفته این مهمونی خانوادگی و توی حریم خونه خودشون بوده، مزاحمتی هم نداشته، تازه بهش گفتن چون هزینه کرده بوده برای مهمونی و تو خراب کردی باید جریمه هم بدی. اینا رو گفتم بگم بعضیا دیگه از پلیس و امام جمعه و اینا هم جلوتر میرن. آخه یکی نیست بگه به تو چه. واسه چی می‌خوای همه تحت کنترل و اراده تو زندگی کنن».

حق بر مشاعات برای چه کسانی است؟

آن‌طور که تجربه نشان داده، نه‌تنها برخی افراد به دلایل متعدد که نیاز به بررسی روان‌شناختی و جامعه‌شناسانه دارد، به حریم خصوصی دیگران تجاوز می‌کنند؛ بلکه گاهی هم حریم خود را بزرگ‌تر از واقع و حدود قانونی تصور می‌کنند و در مقابل ورود دیگران به حریمی که برای آنها نیست، دردسرهایی ایجاد می‌کنند. در بسیاری موارد، شاهد درگیری‌هایی درمورد جای پارک ماشین در خیابان، استفاده از پیاده‌روها و فضای عمومی از سوی مغازه‌داران، کسبه و... بودیم که در صورت اعتراض، با جملاتی مانند «جلوی خونه خودمه، دم مغازه خودمه، اختیارش رو دارم» مواجه شدیم.

پریسا، ساکن یکی از خیابان‌های منتهی به بازار است. کنار منزلشان، چند مغازه تأسیسات برودتی است که معمولا از مواد شیمیایی استفاده می‌کنند. او، چند ماه گذشته به خاطر استفاده غیرقانونی کسبه از پیاده‌رو، دچار مشکل شده بود. «صبح ساعت ۸ داشتم با خواهرم می‌رفتم خرید. از جلوی یکی از این مغازه تأسیساتی‌ها رد شدم. هر بار که قبلا رد می‌شدم نگران بودم لباسم به جایی نگیره کثیف بشه. آخه همیشه جلوی در مغازه توی پیاده‌رو کلی روغن و سیاهی ریخته. نزدیک مغازه که شدم، دیدم چشمام داره می‌سوزه و سرفه‌م گرفته بود. فکر کردم به خاطر آلودگی هواست؛ اما هرچی به مغازه نزدیک‌تر می‌شدم، می‌دیدم داره بیشتر می‌شه. اصلا انگار رنگ هوای اون یه تیکه تغییر کرده بود. یهو چشمم افتاد به کنار باغچه پیاده‌رو، دیدم یه چیزی روی زمین داره می‌جوشه و کف می‌کنه. تا بخوام بفهمم چیه، خواهرم از شدت سرفه حالش بد شد و استفراغ کرد. حالا بماند که چقدر به خاطر خواهرم ترسیده بودم و فضای بدی بود؛ اما وقتی داد و بیداد کردم، شاگرد مغازه بهم گفت ظاهرا اسیدی رو کنار خیابون ریخته بودن که روز قبلش برای شست‌وشو استفاده کرده بودن. منم وقتی اینو فهمیدم واقعا گیر دادم به صاحب مغازه که اینجا مدرسه هست، اگه یه بچه مدرسه‌ای همین‌جا می‌خورد روی اینها زمین و صورتش می‌سوخت چی. جالبه پررو پررو بهم می‌گفت جلوی مغازه خودمه، اختیارش رو دارم. تو که دیدی بو میاد از اون‌ور می‌رفتی. واقعا به همین سادگی! اون روز کار به ۱۱۰ رسید و کلی صاحب مغازه اخطار گرفت که دیگه هیچی حق نداره توی پیاده‌رو بذاره یا بریزه و به زور و خواهش از من و خواهرم رضایت گرفت؛ اما از چند روز بعد دوباره جلوی مغازه همون وضع سابق شد».

استفاده از فضاهای عمومی، از سوی بسیاری از شهروندان، مالکان و کسبه، با تصور اینکه مقابل ملک خودشان است، موضوع جدیدی نیست و همیشه مشکلاتی برای عابران پیاده ایجاد می‌کند. مهم‌تر از همه، بسیاری افراد، قانون مشاعات در کوچه و خیابان را نمی‌دانند و همین باعث می‌شود که یا به حق دیگران تجاوز کنند یا اجازه دهند که به حقشان تجاوز شود. آن‌طور که در منابع حقوقی گفته شده، براساس اصل ۹ ماده ۹۶ تبصره ۶ کتاب مجموعه قوانین و مقررات شهرداری‌ها اراضی، کوچه‌ها، میدان‌ها، خیابان‌ها و معابر عمومی واقع در محدوده هر شهر، ملک عمومی محسوب شده و تعرض در این معابر، تخلف تلقی می‌شود و باید شهرداری‌ها با متخلفان برخورد کنند.

در دین اسلام، قانون و تبصره‌های حقوقی، بارها و بارها بر حفظ حقوق فردی و انسانی اشخاص تأکید شده است. از طرفی، مصادیق نقض حریم خصوصی تعریف شده و برای آن، مجازات تعریف شده است؛ اما در بسیاری موارد، آن‌طور که از این روایات مشخص است و هرکدام از ما تجربه کردیم، افراد بدون آگاهی از قوانینی که مربوط به نقض حریم خصوصی است، یا به محدوده فرد دیگری تجاوز می‌کنند یا اینکه اجازه می‌دهند کسی حریم شخصی آنها را بشکند که در بسیاری از موارد، چون آموزش‌های لازم در این خصوص وجود نداشته، حتی افرادی که به حریمشان تجاوز شده، اعتراض و شکایتی هم نمی‌کنند.

یادداشت

در سطح کلان اجتماع هم گاهی به نقض حریم خصوصی تشویق می‌شویم

نیره توکلی
جامعه‌شناس و پژوهشگر مطالعات زنان

نکته مهمی که درباره نقض حریم خصوصی وجود دارد، شناخت حریم فضای خصوصی و عمومی است. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که با فرهنگ‌های مختلف روبه‌رو هستیم و در واقع، جوامع یکدست نیستند. به‌هرحال در هر جامعه‌ای تنوع فرهنگی وجود دارد و اندازه و تعریف احترام به فضا و حریم خصوصی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. اما به‌راستی حتی در فضای روشنفکری و آکادمیک هم با چنین نقض آشکار حریم خصوصی‌ای مواجه هستیم. یعنی در بسیاری موارد که خودم تجربه کرده‌ام، با ناباوری به اینکه در چه فضاهایی با چه حجم از نقض حریم خصوصی از طرف چه افرادی مواجه بوده‌ایم، نگاه می‌کردم؛ بنابراین با وجود تنوع فرهنگی، طبیعی است که در شهرهای بزرگ به‌دلیل اینکه افراد روابطشان با یکدیگر متعددتر و دورتر است و چهره‌به‌چهره نیست و ارتباطات خویشاوندی کم‌رنگ‌تر است، به‌ویژه به‌دلیل گستردگی فضای رفت‌وآمد، امکان اینکه حریم شخصی به‌راحتی و به‌صورت فیزیکی نقض شود، کمتر است اما در شهرهای کوچک و شهرستان‌ها، بیشتر؛ آن‌هم به‌دلیل مشخصاتی که جامعه‌شناسان می‌گویند: مانند برخوردهای غیررسمی‌تر، نزدیک‌تر، خویشاوندی و فیزیکی‌تر و اینکه افراد چهره‌به‌چهره با یکدیگر معاشرت دارند. بااین‌حال ما در تمام فضای فرهنگی با نقض حریم خصوصی مواجه هستیم و بخش عمده آن به این دلیل است که هنوز آن فرهنگ ۴۰، ۵۰ سال اخیر که خانواده گسترده وجود داشته و حیات و ممات اعضای خانواده، به‌خصوص زن‌ها و کودکان، در اختیار مردان بوده و حتی موجودات خانگی به شمار می‌آمدند، پررنگ است؛ بنابراین در بسیاری موارد سرکشیدن به حریم شخصی، هم از طرف افرادی که این کار را می‌کنند و هم از طرف آنهایی که آماج این قضاوت‌ها و کنجکاوی‌ها قرار می‌گیرند، طبیعی تلقی می‌شود. پس خیلی مهم است که دو طرف آگاهی داشته باشند که مرزهای حریم خصوصی چیست و کجاست و اینکه کجا، با چه تخصصی و در چه صورتی اجازه دارند وارد حریم خصوصی دیگران شوند؛ مثلا یکی از مهم‌ترین مجوزها این است که شخصی که قرار است راجع به زندگی او قضاوت یا دخالتی بکنیم، از ما درخواست کرده و کمک خواسته باشد، حتی اگر می‌خواهیم از او روایتی نقل کنیم، باز هم باید اجازه یا درخواست این کار را به ما منتقل کرده باشد. در این صورت هم باز باید توجه کنیم که صلاحیت و تخصص ما در چه حدی است؛ مثلا تصور کنیم که اگر فردی با بیماری مهلک به ما مراجعه و درخواست کمک کرده باشد و ما متخصص نیستیم و اطلاعات تخصصی درمورد مشکل او نداریم، باید او را به پزشک متخصص ارجاع دهیم، نه‌اینکه خودمان برای درمانش اقدام کنیم. ما متأسفانه در حوزه پزشکی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و البته در سایر حوزه‌ها با این مشکل مواجه هستیم که افراد دامنه تخصص خود را متوجه نیستند و همچنان درمورد هر مواردی نظر می‌دهند. حتی درمورد مباحث مهم که فقط از عهده متخصص آن کار برمی‌آید و فکر می‌کنند بیشتر از آن متخصصان مطلع هستند. در واقع در این دوره ما نه‌تنها با روان‌شناسان زرد، بلکه با پزشکان قلابی و جامعه‌شناسان زرد هم مواجهیم؛ یعنی افراد غیرمتخصصی که در تمام حریم و موارد، بدون هیچ تخصصی وارد می‌شوند؛ بنابراین با این توضیحات سه سطح در نقض حریم شخصی وجود دارد. اول) افرادی که حریمشان نقض شده و باید به حقوق و مسائل شخصی خودشان آگاه باشند و بدانند که لازم نیست به کسی جواب پس بدهند و آن نه گفتن به‌موقع، بسیار مؤثر است. همچنین اینکه بتوانند سدی در مقابل دیگران قرار دهند که آنها نتوانند به‌راحتی اظهارنظر کنند؛ بنابراین این دفاع از حریم شخصی باید از خودمان شروع شود. دوم) کسانی که در حریم شخصی دیگران دخالت می‌کنند، باید بدانند که این حریم شخصی نه مایه تفریح و نه مایه شوخی آنهاست. حتی در بسیاری فضاهای آکادمیک و روشنفکری، در میان افراد تحصیل‌کرده نیز دیده می‌شود که پس از دخالت در حریم شخصی دیگران، آن را نوعی تفریح و شوخی‌کردن عنوان می‌کنند: «شوخی کردم، جدی که نگفتم». در واقع می‌بینیم که ورود و تجاوز به حریم شخصی، در مواردی به تفریح تبدیل شده است. شوخی و تفریح هم در این مورد، اتفاقا نشان‌دهنده این تفکر است که فرد به خودش اجازه می‌دهد به هر شکلی که شده در امور بقیه دخالت کند. سوم) سطح کنشگری کلان اجتماع است که گاهی اوقات سیاست‌های کلان اجتماعی و حتی رسانه‌ها، افراد جامعه را به نقض حریم خصوصی تشویق می‌کنند. در این مورد می‌توانیم به جریان دزد باشرف اشاره کنیم؛ فردی که برای دزدی به خانه‌ای رفته بود و به اطلاعات شخصی فلان فرد مشهور دسترسی پیدا کرده و آن را برملا کرده بود. این اصطلاح پارادوکسیکال، براساس چنین روایتی به وجود آمده بود. ما دزد باشرف نداریم. یعنی دزدی که علاوه بر اقدام به سرقت، جزئیات زندگی خصوصی دیگران را منتشر کرده و به حریم شخصی افراد تجاوز کرده و پس از آن، تشویق هم شده است. بنابراین سه سطح مطرح‌شده باید در نظر گرفته شود، ضمن اینکه همواره موضوعات طبقاتی، اقتصادی، مسائل فرادستی و فرودستی درمورد زنان، نژادها و طبقات مختلف، تأثیر دارد. مثلا در بسیاری موارد شاهد بودم که افراد در قضاوت افراد زیردست خودشان، خیلی بی‌محابا رفتار کردند و مثلا برای افرادی که از لحاظ اقتصادی و طبقاتی فرودست بودند، حریمی قائل نشدند. این موضوع هم از مواردی است که باید به آن توجه کرد؛ یعنی ملیت، نژاد، طبقات و به‌خصوص جنسیت، به‌هیچ‌وجه مجوزهایی نیستند که بخواهیم افراد را مانیتورینگ کرده و بر آنها نظارت داشته باشیم؛ آن‌هم از جایگاهی که به ما مربوط نیست و سودی برای طرف مقابل ندارد. تازه اگر هم سودی داشته باشد باز باید خود افراد تشخیص دهند و درخواست داشته باشند.

رامین پاشایی، معاون فرهنگی اجتماعی پلیس فتا (فراجا) در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد:

بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی، نکات امنیتی حریم خصوصی‌شان را نمی‌دانند

این روزها، استفاده از اینترنت و حضور در شبکه‌های مجازی، بخش گریزناپذیر زندگی شده است؛ در واقع دوری از این تکنولوژی در عصری که در آن به سر می‌بریم، امکان‌پذیر نیست.

از آنجایی که همواره در تمام بخش‌های زندگی، افراد سودجو در حال فرصت‌یابی برای رسیدن به مقاصدشان هستند، فضای مجازی نیز از حضور آنها در امان نیست.

نقض حریم شخصی، پیش از گسترش استفاده از اینترنت نیز از مهم‌ترین دغدغه‌ها و آسیب‌های اجتماعی بود که مردم را درگیر می‌کرد و امروزه افراد علاوه بر فضاهای خانوادگی و اجتماعی، در فضای مجازی نیز در مواجهه با نقض حریم شخصی قرار گرفته‌اند. بنابراین اگر بخواهیم دنیای دیجیتال و مجازی را مانند دنیای واقعی نگاه کنیم، بی‌شک نمی‌توانیم برای درامان‌ماندن از خطرهای احتمالی، حذف این فضاها یا منع افراد برای فعالیت در شبکه‌های مجازی را پیشنهاد دهیم، بلکه باید با فرهنگ‌سازی، آموزش‌دهی آسیب‌ها را کاهش دهیم و پس از آن، در صورت آسیب، مراجع مرتبط در کنار افراد قرار داشته باشند.

رامین پاشایی، معاون فرهنگی-اجتماعی پلیس فتا (فراجا)، درباره نقض حریم خصوصی در فضای مجازی به «شرق» گفت: «حریم خصوصی افراد در فضای مجازی، با حریم خصوصی در فضای فیزیکال متفاوت است. در حریم خصوصی در فضای فیزیکی، بسیاری از نکات هست که رعایت می‌کنیم، اما باز هم افرادی هستند که می‌توانند سرک بکشند و از زندگی ما خبردار شوند. بااین‌حال، در فضای مجازی تمام حریم‌ها دست ماست؛ یعنی وقتی از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها استفاده می‌کنیم، حریم خصوصی افراد همان صفحه آنها در این فضاهاست که اگر این صفحات عمومی باشد، دیگر کسی نمی‌تواند بگوید این فضا یا صفحه، حریم خصوصی‌اش است؛ چراکه وقتی پیج به صورت پابلیک و عمومی است، هر فردی در هر زمانی می‌تواند ورود و خروج به آن داشته باشد، بنابراین دیگر حریم خصوصی نیست».

پاشایی درباره مصادیق نقض حریم خصوصی، به‌خصوص درباره نوجوانان، توضیح داد: «گاهی افرادی به ما مراجعه می‌کنند و شکایت دارند که عکس‌ها و فیلم‌هایی از مراسم خصوصی آنها منتشر شده و حریم خصوصی ما نقض شده است. وقتی ما به پیج این افراد مثلا در اینستاگرام مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم تمام عکس‌هایی که شکایت از انتشارشان دارند، در صفحه بارگذاری شده یا اینکه مثلا در آتلیه یا فضای این‌چنینی که مراجعه کرده، به صاحبان آنجا اجازه داده‌اند از عکس‌شان به‌عنوان مدل استفاده کنند. بحث سوءاستفاده در این موارد، از اینجا جدی می‌شود که در محیط‌های نامناسب عکس این افراد منتشر می‌شود. ما نمونه‌هایی داشتیم که مادر و فرزند (به‌خصوص فرزند دختر و در سنین پایین) مراجعه می‌کردند و شکایت داشتند که در یک گروه مستهجن، از عکس و فیلم این افراد به‌عنوان ارائه‌دهنده خدمات جنسی استفاده شده است، بدون اینکه شاکیان به‌طور کلی خبری از وجود چنین گروه‌هایی داشته باشند. در این شرایط، وقتی پیگیری می‌کنیم، متوجه می‌شویم این افراد عکس‌هایشان را در پیج خود در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند و حتی صفحه آنها عمومی هم نبوده اما با دوستانشان به قصد سوءاستفاده از عکس این افراد استفاده کردند یا اتفاقی و بدون نیت سوء این عکس‌ها چرخیده و به افراد سودجو و فرصت‌طلب رسیده است. حتی در مواردی که پیج عمومی نیست، شاید به‌خاطر رقابت بر سر به‌دست‌آوردن لایک یا مخاطب بیشتر، درخواست فالوکردن توسط غریبه‌ها را نیز در صفحه خود بپذیریم. در این شرایط، نمی‌توانیم بگوییم حریم خصوصی‌مان نقض شده؛ چراکه خودمان آن را افشا کرده‌ایم. در پیام‌رسان‌ها هم مثل واتس‌اپ، متأسفانه برخی افراد از حریم خصوصی‌شان آگاهی ندارند. در بسیاری از شبکه‌های مجازی، نکات امنیتی برای اجازه دسترسی به عکس و اطلاعات وجود دارد که حتما باید آموزش داده و توسط کاربران رعایت شود. مثلا خیلی از افراد از اینکه در واتس‌اپ امکانی برای اجازه انتشار عکس و تصویر، عضوکردن در گروه‌ها، دیدن وضعیت و... فقط برای مخاطبان یا افراد مشخص‌شده‌ای وجود دارد، خبر ندارند».

به‌گفته معاون فرهنگی-اجتماعی پلیس فتا، برای حفظ حریم شخصی هم باید آموزش داده شود و هم اینکه افراد عکس‌ها و تصاویری از فضای خصوصی خود را منتشر کنند که اگر به هر ترتیبی منتشر شده یا شخص دیگری دسترسی به آن پیدا کرد، مشکلی ایجاد نشود.

او با اشاره به نقش افراد در حفظ حریم شخصی‌شان در فضای مجازی، درباره نقش پلیس فتا توضیح داد: «به هر ترتیب، ممکن است به‌خاطر سهل‌انگاری یا ناآگاهی افراد، نقض حریم خصوصی در فضای مجازی ایجاد شود. در مواردی که عکسی از فردی که شخصی و غیرقابل‌انتشار عمومی بوده، منتشر شود، حذف‌شدنی نخواهد بود، اما گاهی پیش می‌آید که علاوه بر انتشار بدون اجازه عکس، تهمت، افترا یا حرف غیردرستی علیه صاحب عکس منتشر می‌شود. در این صورت، بر اساس ماده ۱۶ تا ۱۹ مجازات اسلامی مبارزه با جرائم سایبری مصوب سال ۱۳۸۸، پلیس فتا امکان ورود و برخورد قانونی را دارد. در این ماده، قانون‌گذار تصویب کرده که تهمت، افترا، انتشار تصاویر خصوصی به هر نحوی که باعث آسیب و ضرر مادی و روحی به فرد شود، جرم است و اگر شکایت در مراجع قضائی صورت بگیرد، با متخلفین برخورد خواهد شد».

آن‌طور که در پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس فتا گفته شده، نقض حریم خصوصی در فضای مجازی شامل موارد زیر است:

۱- در دسترس قراردادن داده‌های سری در حال انتقال

۲- نقض تدابیر امنیتی به قصد دسترسی به داده‌ها

۳- حذف یا تخریب یا مختل یا غیرقابل‌پردازش‌کردن داده‌های دیگری

۴- ازکارانداختن یا مختل‌کردن سیستم‌های رایانه‌ای

۵- نشر اکاذیب از طریق سیستم‌های رایانه‌ای

۶- آموزش نحوه ارتکاب جرائم دسترسی غیرمجاز

۷- جاسوسی رایانه‌ای

۸- تخریب و اخلال در داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی.

در سال‌های اخیر و رشد استفاده از اینترنت و ورود افراد به جهان مجازی، کارشناسان و مراجع قضائی تأکید بسیاری بر حفظ حریم خصوصی در فضای مجازی، توسط خود کاربران را دارند. کاربران بدون توجه و به‌دلیل ناآگاهی و سهل‌انگاری، اطلاعات خصوصی خود را در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بارگذاری می‌کنند که گاهی تبعات اجتماعی، خانوادگی و حتی اقتصادی بسیاری برای آنها خواهد داشت؛ چراکه افرادی در شبکه‌های اجتماعی به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده به‌دنبال مقاصد مجرمانه مختلفی ازجمله هتک حیثیت، اخاذی، کلاهبرداری، جعل هویت و... هستند و غفلت کاربران، مهم‌ترین راه نقض حریم شخصی از سوی این سودجویان است.